

## نقد و بررسی کتاب نفثه المصدور زیدری نسوی

### اکبر یحیوی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی (دبیر و مدرس المپیاد ادبی)-دانشگاه آزاد، واحد قائمشهر-ایران

#### چکیده

شهاب‌الدین زیدری نسوی یا شهاب‌الدین نورالدین محمد زیدری نسوی (مرگ ۶۴۷ ه ق) شاعر، نویسنده و مورخ قرن هفتم هجری است. تحصیلات وی در خراسان انجام گرفت. او منشی سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه آخرین شاه خوارزمشاهیان بود و در آغاز کار در خدمت امرای محلی نسا بسر می‌برد و سپس به اردوگاه سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه در عراق و آذربایجان پیوست. وی از سال ۶۲۲ ق صاحب دیوان انشاء آن سلطان جلال‌الدین شد و تا سال ۶۲۸ ق در این سمت باقی بود وی دو کتاب ارزشمند پیرامون تاریخ سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه نوشت که شامل نفثه المصدور به زبان فارسی و سیرت جلال‌الدین به زبان عربی می‌باشد که در این مقاله به بررسی و معرفی کتاب نفثه المصدور پرداخته می‌شود. مولف در این اثر از منابعی همچون: ۱- استفاده از روش مشاهده و معاینه پدیده‌ها ۲- ثبت اخبار و دیده‌ها و شنیده‌ها به سبک مطالعه میدانی، زیدری بسیاری از وقایع را با روش معاینه و مشاهده ثبت و درج نموده است. ۳- طبقه‌بندی اطلاعات: در این کتاب طبقه بندی منظم و موضوعی توسط مولف یا کاتبان درج نشده به همین دلیل یکی از کتب تاریخی می‌باشد که کمتر مورد توجه خوانندگان قرار گرفته، استعمال بسیار زیاد از عناصر خیال منجر بدان شده تا این اثر به یک رساله ادبی تعبیر شود تا تاریخی. ۴- منابع کتبی: عمده منابع نفثه المصدور عبارتند از: ۱- قرآن کریم ۲- تاریخ‌یمینی ۳- منشآت بدیع الزمان همدانی و مقامات حریری ۴- کلیله و دمنه ۵- بکارگیری از اشعار چهل تن از شاعران عربی گو ۱۳ تن از شاعران فارسی گو. استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: زیدری نسوی، نفثه المصدور، تاریخ نگاری، مغول.

**مقدمه**

به طور کلی عواطف و احساسات کسانی که صحنه‌های دهشتناک کشتار مغولان را به چشم دیده و به شکلی تصادفی و معجزه آسا از آسیب تیغ آنان رهیده بودند به شدت جریحه‌دار شده بود! آنان در فرصت‌های مقتضی، این وقایع دردناک را با آب و تاب برای دیگران بازگو می‌کردند و قطعا جمعی از شنوندگان آن‌ها فرهیختگان و نویسندگانی بودند که به شدت تحت تأثیر قرار می‌گرفتند و برانگیخته می‌شدند تا شرح این تراژدی و حادثه غم‌بار را بنویسند و برای آیندگان به یادگار گذارند. مورخان از قبیل: زیدری نسوی و منهج سراج هنگام روایت تاریخ مغولان رویکردی تراژدیک دارند و شرح فجایع مغولان را با توصیفی غم‌بار و سرشار از خشم و درد، نقل می‌کنند (مهدی مستقیمی، انگیزه‌های تاریخ‌نگاری در عصر مغول، ۱۳۹۱). منهج سراج در بسیاری از موارد از مغولان با عبارات‌هایی چون «دمرهم الله» (منهج سراج، طبقات ناصری، ج ۲، ص ۹۰) و «لعنهم الله» (همان، ص ۲۰۵) و از چنگیز و فرزندان او با صفت ملعون یاد می‌کند (همان، ص ۱۱۴). و بدین سان احساس خود را نسبت به مهاجمان ویران‌گر و کردارشان نشان می‌دهد. عطاملک جوینی نویسنده تاریخ جهانگشای نیز که به هر حال از کار گزاران دولت مغولان بوده است، این تأثرات و تألمات را کتمان نمی‌کند و در مقدمه کتاب خود، بیش از هر چیز، از دگرگونی اوضاع و برآمدن شرایط نامناسب اجتماعی که به روح و احساس هم میهنانش آسیب زده است شکوه می‌کند. (عطاملک جوینی، همان، ج ۱، دیباچه، ص ۳ به بعد). همو در فرازی دیگر از تاریخ جهانگشای، پس از شرح نسبتا مفصلی از فجایع مغولان در بخارا و شهرهای اطراف، از قول یک بخارایی که از مهلکه گریخته، سخنی آورده است که اوج تأثر و تألم ایرانیان را از حادثه‌ای که رخ داده در بردارد. و یکی از بخارا پس از واقعه گریخته بود و به خراسان آمد، حال بخارا را از او پرسیدند، گفت: آمدند و کردند و سوختند و بردند و رفتند! جماعت زیرکان که این تقریر شنیدند اتفاق کردند که در پارسی موجزتر از این سخن نتواند بود و هر چه درین جزو مسطور گشت، خلاصه و ذنابه آن، این دو سه کلمه است که این شخص تقریر کرده است. (همان ص ۸۳) سال‌ها بعد در اوج قدرت ایلخانان باز هم روح حساس ایرانی در مقابل مغولان به هیجان آمد و آن زمان که سپاهیان اولجایتو به هرات حمله کردند (۷۰۶ق) و جمال الدین محمد سام، سردار ملک فخر الدین کرت، در مقابل آنان ایستاد، سیفی هروی منظومه‌ای حماسی در شرح دلاوری‌های وی سرود که هر چند اینک آن را در اختیار نداریم. (ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳/۱، ص ۳۲۷). حال با توجه به موارد فوق هدف اصلی در این تحقیق نقد و بررسی کتاب نفثه المصدور زیدری نسوی می باشد. اینکه مولف با چه انگیزه‌هایی دست به خلق این اثر ارزشمند تاریخی زده است.

**روش تحقیق**

روش تحقیق در این مقاله روش تاریخی از نوع تحلیل محتوا و بر اساس اسنادی از منابعی همچون، تاریخ ایران عصر مغول مجلات علمی-تاریخی محققان می باشد. ضمن آنکه محوریت تحقیق بر اساس کتاب نفثه المصدور بوده است.

**اهداف تحقیق**

۱- بررسی منابع اطلاعاتی کتاب نفثه المصدور

۲- بررسی مختصات سبکی نفثه المصدور

۳- بررسی انگیزه مولف از تالیف کتاب نفثه المصدور

منابع اطلاعاتی کتاب نفثه المصدور

۱- استفاده از روش مشاهده و معاینه پدیده‌ها:

مسافرت به مناطق مختلفی چون: آرمینستان، آذربایجان، تفلیس، خراسان، ولایات و نواحی مرکزی و شرق ایران، ماورالنهر و سمرقند را در نوردیده است.

۲- ثبت اخبار و دیده ها و شنیده ها به سبک مطالعه میدانی: زیدری بسیاری از وقایع را با روش معاینه و مشاهده ثبت و درج نموده است.

۳- طبقه‌بندی اطلاعات: در این کتاب طبقه بندی منظم و موضوعی توسط مولف یا کاتبان درج نشده به همین دلیل یکی از کتب تاریخی می باشد که کمتر مورد توجه خوانندگان قرار گرفته، استعمال بسیار زیاد از عناصر خیال نچربدان شده تاین اثر به یک رساله ادبی تعبیر شود تا تاریخی.

۴- منابع کتبی:

عمده منابع نفثه المصدور عبارتند از: ۱- قرآن کریم ۲- تاریخ‌یمینی (ص ۹۷-۸۲-۷۱-۷۰-۶۷-۴۵-۳۶-۳۳-۳۲-۱۳) ۳- منشآت بدیع الزمان همدانی و مقامات حریری (ص ۱۱۰-۳۵) ۴- کلیله و دمنه (ص ۷۱) ۵- بکارگیری از اشعار چهل تن از شاعران عربی گو مانند: ابن الرومی- ابن نباته - ابوبکر خوارزمی- بستی- حریری- جریر- دعبل- زیداسدی- متنبی و... و ۱۳ تن از شاعران فارسی گو از قبیل: اثیرالدین اخسیکتی- ازرقی هروی- افضل الدین کاشانی- امیرمعزی- انوری- خیام- سعدکافی- سنایی- سیدحسن- غزنوی- ظهیرالدین فاریابی- عنصری- مسعودسعد سلمان- نظامی گنجه ای، در کتابش اشاره نمود. در میان منابع کتبی تاریخ یمینی کاربرد فراوانی در کتاب نفثه المصدور داشته است. به مانند سنت تالیف آن عصر، اقتباس و تضمین و انتقال به ویژه از تاریخ یمینی بعاریت گرفته است.

### مختصات سبکی نفثه المصدور

الف- مختصات زبانی وادبی

در کتاب نفثه المصدور پاره ای از ویژگی های سبک مرسل و قدیم دیده می شود که عبارتند از: استعمال حرف "با" در معنی "به" و "سوی" و "از": "...چون از الموت... (با/به/سوی) قزوین اتفاق معاودت افتاد..." (المصدور ص ۹) و نیز "...شرح حال تن مهجور و دل رنجور با (از) از سرگیریم که ... (همان ۴۸). و کاربرد "بازین همه" بجای "با این همه": "...بازین همه که قالب نیم خسته از کشتی امل بر لوحی شکسته مانده است... تیزتاز قلم بدست گرفته..." (همان ۲).

تقدیم حرف باء تاکید بر فعل نفی موکد: "...خود گیر، که بدان حدود، اجرت قاصدی باز پس نگذاشته ام، بتوان گفت که تخم نیکی نیز بنکاشته ام؟..." (همان ۱۲۲).

استعمال افعال با پیشاوند هایی چون: در- بر- فرا- فرو- باز- پیشاوند "در": در دادن- در افتادن- در نهادن- در کشیدن- در آوردن- در رفتن- در چیدن- در گرفتن- در بستن (نفثه المصدور، تصحیح یزدگردی، مقدمه، شش).

کاربرد تکرار افعال و بء تاکید برسر افعال و حذف ضمیر فاعلی متصل بفعال در فعل معطوف بقرینه: "...با زنگرفتند... باز نایستاد..." (هما ۴۵) و حذف فعل به قرینه و بکاربردن فعل وصفی بجای فعل: "...اکتفا نکرده ... بشب قصد آمد کردند..." (همان ۵۸) و استعمال صفت فاعلی برای نمودن تکرار عمل و تاکید: "...واز صادر و وارد... ترسان ترسان، پرسان، پرسان احوال او بوده ام..." (همان ۱۰).

درهنگام آغاز جمله عباراتی از قبیل: "القصه" و "فی الجملة" و "بالجملة" و "هیئات" و "مع القصه بطولها" و "وحاصل" استعمال نموده است.

از خصوصیات مهم سبک ادبی این کتاب به مانند سایر متون نثر فنی جمله بندی و ساختار جملاتشان می باشد. در جمله بندی، پس از رعایت نکات مربوط به بدیع معنوی و لفظی که تمام سعی مولف بوده، آنچه در خور توجه بوده وجود جمله های معترضه بسیار است که گاه کلام را متکلف می نماید و فهم عبارت را بر خواننده ی نا آشنا بشیوه و سبک نویسنده دشوار می سازد. علت اینکار اصرار نویسندگان این سبک در کاربرد آیات، احادیث، روایات ملی-مذهبی، امثال عربی و فارسی، مراعات سجع و موازنه وقرینه سازی است که این خود موجب اطناب کلام می شود.

#### ب- مختصات فکری

۱- نثر کتاب دوره ای از فضای وحشت آلود و غمناک ایران قرن هفتم را ترسیم می کند و دیگر از محیط های اشرافی و تفریح و شراب صبحگاهی و باغ و بزم سبک خراسانی خبری نیست.

۲- از آنجا که نویسنده نفثه المصدور احساسات و عواطف خودش را در بیان وقایع وصف می کند می توان قالب اثر را بر اساس مکتب رمانتیسم یا رمانتیسیسم (Romanticism) تحلیل نمود. هنرمندان رمانتیک آزاد از چهارچوب های تصویرگری های سنتی، به تحقق بخشیدن ایده های شخصی خود پرداختند. رمانتیسم از جمله مکتبهایی است که در قرن هجده با شعار بیان آزاد احساسات فردی، بازگشت به طبیعت، بدوی گرایی، نگرش تخیلی و... در مقابل تفکر خردگرای کلاسیسم به پا خاست. نفثه المصدور به عنوان متنی تاریخی- ادبی همانندیهایی ویژه ای با اصول و مبانی رمانتیسم دارد و همین مسأله زمینه بررسی نقدی رمانتیسم را با توجه به ویژگیهای سبکی در این اثر فراهم می آورد. به لحاظ معنایی وجود عواملی مانند توجه به احساسات شخصی و بیان آزاد آنها، نگاه کشف و شهودی به طبیعت، اتکا به تخیل ثانویه در توصیف امور بیرونی، ترسیم آرمانشهر و عوامل زبانی ای از؛ جمله برجسته کردن جنبه ادبیت متن با استفاده از تمهیدات ادبی ای چون تشبیه، استعاره، تضمین و...، توصیفات مکرر و طولانی و نمادپردازی؛ از جمله مواردی هستند که به نفثه المصدور، سبکی رمانتیک بخشیده است. ( اکبر آبادی و خزانه دارلو، ۱۳۹۰)

۳- اشاره به معارف اسلامی و حدیث و قرآن و روایات ایرانی-اسلامی در آن زیاد است.

۴- شرایط و اوضاع سیاسی - اجتماعی زمانه منجر بدان شده تا مولف با بکارگیری از هجو در بیان وقایع مهارت قوی داشته باشد تا آنجا که در مقام قدح و ذم و آوردن ایهامات قبیح و کنایات و تعبیرات گزنده و مستهجن و دشنام های سخت زشت جانب اخلاق و ادب را فرو گذاشته: "...وچه صلاح توقع توان کرد، از حرام زاده ای که در نزوان امهات سیرت تیوس پسندیده باشد و در اتیان محارم و اخوات، مذهب مجوس گزیده و این معنی در خلال آن حلال زاده..." و نیز "...چاشینی از خبائث آن بدرگ که دریا را نجس گردانید..." و نمونه هایی از قبیل: "...گرداده و زرداده..." و "...آن صدر که از کون خربرون جست و براسپ نشست..." و "...بسی انبانچه نرم کرده، تاهنگامه عمل گرم کرده..." و "...سفیه نبیه..." و...

۵- استفاده از مضامین احادیث و عربی و فارسی و امثال فارسی از برای بیان وقایع از خصوصیات بارز فکری کتاب نفثه المصدور است. امثال فارسی از قبیل: "کار امروز بفردا میفگن" و "مرگ بانوبه جشن است" و در شهر کوران دست بدیده باز نهادم "شمشیر بخونی که نیشتر پالود چه باید کرد؟" و کوه بکوه نرسد و آدمی بآدمی برسد" و "هرچه از چشم دور از دل دور" و...

۶- بکاربردن کنایات و تعبیرات غیر معمول در زبان که باعث شده تنافر کلمات و حروف در متن کتاب بوجود آید.

۷- تقدیرگرایی: یکی از ویژگی‌های بارز مورخان عصر مغول اعتقاد به تقدیرگرایی می‌باشد و زیدری نسوی نیز از جمله چنین مورخان است: "...و اذا اراد... بقوم سوء فلا مرد له ومالهم من دونه من وال" و چون خدا خواهد بگروهی بدی، بازگردانیدن نبود آن را هرگز، و نبود ایشان را از فرود او هیچ دوست و پناه که التجا بدو کنند.

۸- بی تفاوتی و ناچیز شمردن دشمن

"...خبر اجتماع لشکر تاتار را تا درزنجان، که از آنجا تا موغان پنج شش منزل راهست، استماع کرده، و مقصد و مقصود ایشان بی هیچ دانسته، قضای بد دیده‌ی باریک بین را تاریخ گردانید، و تقدیر آسمانی پرده‌ی غفلت و رای رای و بصیرت فرو گذاشت، تاجده‌ی مصلحت، که کوران بدان راه برند، بر اهل بصیرت بیوشانید، و از شیوه تحفظ، که ستوران در ابقای نوع آن رعایت واجب شمردند، چندین هزار عاقل را غافل گردانید: "...و اذا اراد... بقوم سوء فلا مرد له ومالهم من دونه من وال" و چون خدا خواهد بگروهی بدی، بازگردانیدن نبود آن را هرگز، و نبود ایشان را از فرود او هیچ دوست و پناه که التجا بدو کنند. دوازده روز مهلت بموغان که باستعراض جیوش و عساکر و تثقیف ذوابل و تحدید بوآتر مشغول بایستی بود، از ابتدای صباح تا انتهای رواج، بصید آهو و خربط بر می‌تشت، و بضرپ نای و بریط غبوق با صبح می‌پیوست، بنغمات خسروانی از نغمات خسروانه متغافل شده، و باوتار ملاهی از اوطار پادشاهی متشاغل گشته، سرود رود درود سلطنت او می‌داد، و او غافل، آغانی مغانی بر مثالک و مثانی مرثیه‌نمایی او می‌خواند، و او بیخیر، صراحی غرهدر گلو افکنده، نوحه کاراو می‌کرد، و او فهقه می‌پنداشت. بیاله بخون دل بحال او می‌گرسیت، و او قهوه می‌انگاشت... و می‌گفت: "کو آن پادشاه که از سر بازی بگوی بازی نپرداختی؟ و از ابکار و عون، ابکار عون حرب را شناختی؟ شهوات عشق را بر شهوات عتاق برنگزیدی؟ مهفهفات ترک را از مرهفات هند خوشتر ندیدی؟ خودود بیض را بر حدود بیض ترجیح نهاده‌ی؟"

البيض همی لا لذی البيض الطلی و طلابی الاوتار لالا وتار

ان العلی لا یستباح نکاحها الا بحیث تطلق الاعمار (نفثه المصدور، ص ۱۹-۱۸)

ترجمه: وجهه همت من شمشیر است نه ملازمت زنان سپید گردن و مطلوب من کین کشی است و خون خواهی نه اشتغال بنوای تار. همانا نکاح بلندی روا نیست مگر آنجا که عمر را طلاق گویند.

انگیزه تالیف کتاب نفثه المصدور

۱- بنا به درخواست ملک مسعود از سلاطین کرد ایوبی: شهاب الدین محمد خرنذری زیدری نسوی در میافارقین<sup>۱</sup> نزدیک ملک مسعود از سلاطین کرد ایوبی بنا به درخواست وی کتاب «نفثه المصدور» را با انشاء مزین در حدود سال ۶۳۲ ق نگاشت. از آنجا که بین سال‌های ۶۲۸-۶۲۲ هجری منشی جلال الدین خوارزمشاه بود بسیاری از وقایع را با چشم دیده و ثبت نموده است و از این حیث منبعی معتبر می‌باشد.

۲- ذکر احساسات و عواطف شخصی توام با فخر فروشی

از فحوای متون برمی‌آید مولف برای گذران امور زندگی و تسکین درد ورنج‌هایی را که دیده بود می‌خواست شرح نابسامانی‌های ایران را در اثر حمله مغولان به رشته تحریر در آورد. از دیگر انگیزه‌های تالیف این کتاب خودنمایی و فخر فروشی مولف در

<sup>۱</sup> - شهر میافارقین یک شهر باستانی در نزدیکی دیار بکر، در کشور ترکیه بود. این شهر امروزه شهر سیلوان نامیده می‌شود.

مهارتش در زمینه عربی نویسی و استعمال انواع صور خیال و صنایع بدیعی می باشد که در آن دوره یکی از ارکان مهم نویسندگی به شمار می آمد.

### ۳- شرح و توصیف یکی از عظیم ترین ایلغار

دست‌مایه مورخان برای نگارش تاریخ، رویدادهای مهم جامعه است. تاریخ‌نگاری با تکاپوهای سیاسی-اجتماعی و فرهنگی جامعه رابطه‌ای مستقیم دارد. در ادواری که جامعه افت و خیزی نداشته و حادثه مهمی رخ نداده، قطعاً برای نوشتن تاریخ نیز انگیزه‌ای قوی نبوده است، به‌ویژه اگر در نظر داشته باشیم که مورخان بیشتر به تاریخ سیاسی و شرح فعالیت‌های حاکمان توجه داشته‌اند تا به زندگی مردم. آثار مکتوب تاریخی این ادوار از نظر تعداد، محدود و از نظر محتوا کم ارزش است، اما در روزگاری که حجم رویدادها زیاد و فراز و فرودهای جامعه گسترده بوده، بالندگی تاریخ‌نگاری هم هویدا است. در تاریخ ایران دوره‌هایی وجود دارد که به لحاظ این خصوصیت از اهمیت خاصی برخوردار است. حوادثی که در این فرازهای تاریخی رخ داده آثار عمیقی در بنیادهای سیاسی-اجتماعی و فرهنگی جامعه گذاشته و دگرگونی‌های مثبت و منفی بزرگی را سبب شده است. فتح ایران توسط مسلمانان در فاصله سال‌های ۱۶-۳۰ ق، نهضت شعوبیه و تأسیس خلافت عباسی با کمک مستقیم ایرانیان، تأسیس سلسله‌های ایرانی در قرن‌های سوم و چهارم هجری و مبارزه با سلطه اعراب و تهاجم مغولان در سال ۶۱۶ ق، از این مجموعه‌اند. با تکیه و استناد بر نوشته‌های موجود باید گفت که مورخان، وقایع این فرازها و پیامدهای آنها را به شکل گسترده و دقیق، ثبت و ضبط نموده و با نگارش آنها آثار مهم و ارزش‌مندی را پدید آورده‌اند. بی‌شک تهاجم مغولان به ایران در این میان، جایگاه خاص خود را دارد. حوادثی که در اثر این هجوم بر ایران گذشت، بسیار شگفت و سرنوشت‌ساز بود و آثار مهمی در ساختار سیاسی-اجتماعی و فرهنگی جامعه ما گذاشت.

اهم این حوادث که شرح مفصل آنها را باید در منابع مطالعه کرد بدین قرارند:

۱- جمع بسیاری از مردم بی‌گناه به شکل دردناکی قتل عام شدند، شهرهای بزرگ و آباد تخریب شد و آثار و بناهای علمی-فرهنگی و هنری ارزش‌مندی نابود گردید. این ددمنشی‌ها روح ایرانیان را به شدت آزرده ساخت و قلبشان را ملامال از درد نمود.

۲- ارکان سلسله خوارزمشاهی، آخرین مجموعه از سلسله‌های ترک‌نژاد که برای خود ابهت و جایگاهی ایجاد کرده بود، فرو ریخت و بنیادهای حکومت متمرکز درهم شکست.

۳- شرح اوضاع ایران و زندگی جلال الدین خوارزمشاه (۶۲۸ قتل) بین سال‌های ۶۲۸-۶۲۲ از دیگر تدوین این کتاب می باشد.

۴- شرح و تبیین نوستالوژی گذشته گرا براساس غم و اندوه و نوستالوژی فردی و جمعی، نفته المصنوع شرح وقایع و حوادث جانسوزی می باشد که بیشتر شبیه به یک نوستالوژی است، "نوستالژی Nostalgia از دو کلمه یونانی ساخته شده است: nostos که به معنی بازگشت به خانه است و algia که معنی «درد» می‌دهد. نوستالژی nostalgia را می‌توان به طور خلاصه یک احساس درونی تلخ و شیرین به اشیا، اشخاص و موقعیت‌های گذشته، تعریف کرد. معنی دیگر نوستالژی دلتنگی شدید برای زادگاه است. به طور کلی، احساس نوستالژی از نظر روان‌شناسان نتیجه‌ی حسرت بر گذشته، یادآوری خاطرات کودکی و نوجوانی، احساس غربت، مرگ اعضای خانواده و تمدن گذشته و حسرت آرمان شهر و گذشته‌ی تاریخی ورنج و غم مردم یک جامعه است.

۵- اشاره به اهمیت شمشیر و قلم و رسم و فنون نویسندگی با بکارگیری از بدیع لفظی: صنعت واج آرای و سجع و انواع جناس و اشتقاق. بدیع معنوی: تضاد و مراعات النظیر و تلمیح و تضمین و ایهام و براعت استهلال و مبالغه. علم بیان: تشبیه و استعاره و کنایه

ومجاز. مولف با استفاده از صنعت تشخیص و مراعات النظر و جاپنداری در شروع کتاب ضمن توصیف و تصویر فضای سیاسی- اجتماعی ایران عصر حمله مغول به ایران و اعتقاد به تقدیرگرایی به وصف شمشیر و قلم که به نوعی نبرد سنتی اهل قلم و شمشیر می باشند پرداخته است.

۶- شرح رویدادهای سلسله خوارزمشاهیان با هدف عبرت‌آموزی و کسب تجربه برای خوانندگان.

۷- گزارش وقایع دوره سلطان جلال‌الدین به آن سبب که توسط دیگر مورخان نگاشته نشده است.

۸- نبود نویسندگان علاقه‌مند و توانمند برای نگارش رویدادهای این دوره. نسوی وصف این موقعیت را آنجا که انگیزه تاریخ‌نویسی خود را بیان کرده به روشنی آورده و نوشته است: «و تصدی این تصنیف را من متعین گشتم بر مثال جمعی که در کشتی نشینند، و به غواص نکباء کشتی در معرض غرق و فنا آید و رفتار همه قرین بلا و رفیق عنا شوند و موج دریا او را تنها به ساحل اندازد. هر آینه جز وی، کسی شرح احوال کشتی در رفقا وی نتواند کردن. والا حقیقت است که من مرد این کار و حریف این بازار نیستم». (شهاب‌الدین نسوی، سیرت جلال‌الدین مینکبرنی، ص ۶)

۹- حضور نسوی در وقایع مهم دوره سلطان جلال‌الدین. نسوی به دلیل مسئولیت مهمی که داشته در اغلب سفرها و مأموریت‌ها همراه سلطان بوده است. همچنین عموم فرامین و نامه‌ها را او می‌نوشت، به همین دلیل مطلع‌ترین فرد از اوضاع اداری و سیاسی دوره سلطان جلال‌الدین محسوب می‌شد. وجود این اطلاعات انگیزه لازم را برای نسوی در خصوص ثبت این اخبار فراهم آورده است.

۱۰- توانایی نسوی در کتابت و انشا که انگیزه لازم را برای او به وجود آورده است.

۱۱- و ظاهراً شرح رویدادهای زندگی خود؛ زیرا نسوی در تاریخ‌نگاری خویش، اغلب خاطرات خود را نگاشته است. به نوشته مینوی، مولف هرچند نیت آن را نداشته است که ترجمه حال خویش را بنگارد، در دو اثرش آن قدر از خود سخن گفته است که از خلال عباراتش بتوان وی را شناخت. (خسرویگی، هوشنگ، ۱۳۸۶)

### نمونه ای از متن کتاب

"در این مدت که تلاطم امواج فتنه کار جهان برهم شورانیده است، و سیلاب جفای ایام سرهای سروران را جفای خود گردانیده، طوفان بلا چنان بالا گرفته که کشتی حیات را گذر برجداول ملمات متعین گشته، بروق غمام بصر ربای "یکادالبرق یخطف ابصارهم" (قرآن کریم ۲۰/۲) درخشیدن برق بر باید بینایی‌هایشان را. بر بریق حسام سر ربای متبدل شده، بارسالار ایام چون حوادث درهم بسته، تیغ بسرباری دربار نهاده، شمشیر که آبداری وصف لازم او بودی، سرداری پیشه گرفته، سحائب عذب بار نوائب غضب بار گشته، فرات که نبات رویانیدی، رفات بار آورده، زمین که از قطرات ژاله رنگ لاله داشتی. شجره شمشیر که بهشت در سایه اوست، که الجنه تحت ظلال السیوف، چون درخت دوزخیان، سر بار آورده "طلها کانه روس الشیاطین" (قرآن کریم ۶۵/۳۷) میوه و بار آن گویی سرهای شیطان است. تا این دو روی تیز زبان در میان شد آمد گرفته، سلامت پای بر کرانبارک آبخورده تا خونخوار شده، خون، خوار شده، سنان سرافراز بمثال زور آزمایشان سر افراز گشته، تیر که نصیب هدف بودی، تیر ضمیر آمده، تدبیر در میدان تقدیر چون گوی سرگردان شده، آبستن لیلی را هر لحظه، اگرچه حاله معین شدست حبلی را نوبنون بلایی زاییده، بوالعجب باز ایم هر چند گفته اند: عش رجبا تر عجا" هر لمحعه عجبی نماییده، رووس را رووس در پای کوب افتاده، عظام را عظام لگد کوب شده، یمانی در قراب رقاب جایگیر آمده، خناجر با حناجر الف گرفته، سلامت از میان امت چون زه کمان گوشه نشین شده، امن وامان چون تیر از دست اهل زمان بیرون رفته، سموم عواصف هر چند بر عموم آب از روی همگنان برده، نکبای نکبت حال من پریشان حال بیکبارگی بر هم زده، تا قاطع ارحام حیات، یعنی سیف، در کار آمده، صلت رحم

بکلی مدروس شده، بازین همه که قالب نیم خسته از کشتی امل برلوحی شکسته مانده است... تیزتاز قلم که هنگام مهاجرت خفیر ضمایر و ترجمان ساریر است، بدست گرفته، و قصد آن کرده، که شطری از آتش حرقت، که ضمیر بر آن انطوا یافته است، در سطری چند درج کنم، و از این صدر نشین دلگیری، یعنی اندوه، حکایت شکایت آمیز فرو خوانم، باز گفته ام که: "قلم که چون بر سیاه نشیند سپید عمل کند و بر سپید سیاه، جز نفاق چه کار آید؟ دوزبانست، سفارت ارباب وفاق را نشاید. هرچند بسر قیام می نماید، سیاه کاتر است. اگر چه اندرون دار است، نتوان گفت که راز دار است. اجوفیست که تا مشتق نشود، کلام او صحیح نباشد. طالب علم نیست سودا بر سر زده، تا تن دو نیم نکند، ذوفنون نشود... در فصاحت حریر است و اصلش قصب ریالپیسه کلاغیست که حدیث فاوا برد. غراب الیینی است که وقت مهاجرت کاغد دست نشینی است که از صدور حکایت کند. سخن چینی است که ناشنوده روایت کند. سر تراشیده است و سر سیاه می کند. سر بریده است و سخن می گوید. آب رویش در سیاه روییست. زبان بریدنش شرط گویاییست. آب دهانیست که سخن نگاه نمی دارد. سیاه کامیست که آنچه گفت بباشد.

### نتیجه گیری

نفته المصدور در لغت به معنی خلطی است که شخص مبتلا به درد سینه از سینه بیرون می افکند و نیز به سخنی اطلاق می شود که از شکوه، اندوه، ملال دل و تمایلات درونی برمی خیزد و گوینده با ادای این سخن راحت و آسوده می گردد. به عبارتی به معنی گله و شکایت است. نسوی «نفته المصدور» را در حدود ۶۳۲ ق. و پیش از تألیف کتاب «سیرت جلال الدین» و چهار سال پس از مرگ سلطان جلال الدین نگاشته است. نسوی «نفته المصدور» را با هدف گزارش اخبار مشقات حادث بر او نگاشته است. در حقیقت نسوی در این اثر بخشی از رویدادهای عمر خود را نگاشته و خاطرات خود را از ایام سختی که به واسطه حملات مغولان و مرگ سلطان جلال الدین بر او حادث شده شرح داده است. به همین لحاظ این اثر را می توان نوعی خاطره نویسی نسوی و شرح سوانح عمر او دانست.

در نتیجه می توان گفت انگیزه مولف از تألیف کتاب نفته المصدور عبارتند از: ۱- بنا به درخواست ملک مسعود از سلاطین کرد ایوبی: شهاب الدین محمد خرنندی زیدری نسوی در میافارقین نزدیک ملک مسعود از سلاطین کرد ایوبی بنا به درخواست وی کتاب «نفته المصدور» را با انشاء مزین در حدود سال ۶۳۲ ق نگاشت. از آنجا که بین سال های ۶۲۸-۶۲۲ هجری منشی جلال الدین خوارزمشاه بود بسیاری از وقایع را با چشم دیده و ثبت نموده است و از این حیث منبعی معتبر می باشد. ۲- ذکر احساسات و عواطف شخصی توام با فخر فروشی ۳- شرح و توصیف یکی از عظیم ترین ایلغار ۴- شرح اوضاع ایران و زندگی جلال الدین خوارزمشاه (۶۲۸ قتل) بین سال های ۶۲۲-۶۲۸ از دیگر تدوین این کتاب می باشد. ۵- شرح و تبیین نوستالوژی گذشته گرا بر اساس غم و اندوه و نوستالوژی فردی و جمعی، نفته المصدور شرح وقایع و حوادث جانسوزی می باشد که بیشتر شبیه به یک نوستالوژی است. ۶- اشاره به اهمیت شمشیر و قلم و رسم و فنون نویسندگی با بکارگیری از بدیع لفظی. کتاب «نفته المصدور» بر خلاف «سیرت جلال الدین» به فارسی نگاشته شده است.

این کتاب از نظر نثر ادبی نیز جایگاهی ارزشمند دارد و با تصحیحات و تعلیقات ارزشمند دکتر امیرحسین یزدگردی به چاپ رسیده است.

### منابع

۱. آژند یعقوب (۱۳۶۱) "تاریخ نگاری در اسلام"، تهران: گستره.
۲. آژند یعقوب (۱۳۸۰) "تاریخ نگاری در ایران"، تهران: گستره.
۳. اذکایی، پرویز (۱۳۷۳) "تاریخ نگاران ایران" تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.



۴. بتلاب اکبرآبادی، محسن و محمدعلی خزانه دارلو (۱۳۹۰) "نمودهای رمانتیسم در نفثه المصدور"، پژوهش های زبان و ادب فارسی اصفهان دوره سوم پاییز ۱۳۹۰ شماره ۳.
۵. بیات، عزیزالله (۱۳۸۳) "شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران"، تهران: امیرکبیر.
۶. خسرو بیگی، هوشنگ (۱۳۸۵) "تاریخ نگاران: شهاب الدین محمد نسوی و سیرت او" نشریه: اطلاع رسانی و کتابداری « کتاب ماه تاریخ و جغرافیا » خرداد و تیر و مرداد ۱۳۸۵ - شماره ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶.
۷. خسروبیگی، هوشنگ (۱۳۸۶) "خاطره نگاری های شهاب الدین نسوی" نشریه: تاریخ " زمانه " دی ۱۳۸۶ - شماره ۶۴.
۸. روزنتال، فرانتز (۱۳۶۵) " تاریخ تاریخ نگاری در اسلام"، مشهد: آستان قدس رضوی.
۹. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳) " تاریخ در ترازو"، تهران: امیرکبیر.
۱۰. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۲) " کارنامه اسلام" تهران: امیرکبیر.
۱۱. زیدری نسوی، شهاب الدین محمد (۱۳۸۵) "نفثه المصدور" به تصحیح، امیرحسن یزدگردی، تهران نشر توس.
۱۲. زیدری نسوی، شهاب الدین محمد (۱۳۶۵) " سیرت جلال الدین مینکبرنی" مصحح، مجتبی مینوی، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۳. سجادی، محمدصادق و عالم زاده، هادی (۱۳۸۰) تاریخ نگاری در اسلام: تهران: سمت.
۱۴. مجتهدی، کریم (۱۳۸۱) " فلسفه تاریخ"، تهران: سروش.
۱۵. کویین، شعله (۱۳۸۴) " میراث تاریخ نگاری عصر صفوی"، مترجم: نوروزی، فرشید، نشریه: تاریخ " تاریخ در آیینه پژوهش" تابستان ۱۳۸۴ - شماره ۱۰
۱۶. مستقیمی، مهدی (۱۳۸۵) "انگیزه های تاریخ نگاری در عصر مغول"، نشریه تاریخ. نامه تاریخ پژوهان، شماره ۵ .
۱۷. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۶۹) "مجموعه مقالات یادنامه طبری"، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۸. یان ریپکا (۱۳۵۹) "تاریخ نگاری ایران در اواخر سلجوقیان و عصر مغول"، مترجم: اوانس اوانسیان، نشریه: زبان و ادبیات « آینده » سال ششم، آذر - اسفند ۱۳۵۹ - شماره ۹-۱۲